

مقاله

نوشتۀ میرچا الباده

O ترجمه دکتر حسین حیدری

۱- زندگانی زرتشت: اسطوره یا تاریخ؟

هستی پرده بردارد و از فرجام خود وی و برخی از آزار دهندگانش و دیگر شریران، او را آگاه سازد.

هر بند از یستای نامور ۴۴ اوستا با این خطاب خاص آغاز می‌شود: «ای اهورا! این را از تو می‌پرسم، مرا به درستی گوی». زرتشت می‌خواهد بداند «چه کسی راه خورشید و ستارگان را بر نهاده است»، «کدامین کس زمین را در زیر نگاهداشت و سپهر را بر فراز جای داد که فرونیفتد». ^۱ سپس پرسش‌های او درباره آفرینش، یکی پس از دیگری - حتی با آهنگی سریع‌تر - ادامه می‌یابد. با این حال، او همچنین می‌خواهد بداند چگونه روانش «به شادی روز افزون خواهد رسید». ^۲ «و چگونه می‌توان دروج را از خود دور کرد». ^۳ «و چگونه می‌توان دروج را به دستان اشه سپرد» زرتشت در خواست می‌کند تا «نشانه‌های آشکار» ^۴ به او داده شود ^۵ و برتر از همه آرزوها، می‌گوید: «چگونه به تو خواهم پیوست؟ کی سخنم کارگر خواهد شد؟». ^۶ اما در ادامه می‌افزاید

از اشارات اندک و غیر صریح اوستا نمی‌توان طرح کامل

زندگی‌نامه زرتشت را ترسیم کرد. ماریان موله ^۱ کوشیده است تا اثبات کند که حتی این اشارات اندک و پراکنده به اشخاص و حوادثی که واقعی می‌نمایند نیز، ضرورتاً حقایق تاریخی را منعکس نمی‌کنند و برای نمونه، وشتاسپ نماد نوکیشان است. با این حال، واقعیت تاریخی زرتشت نیز از طریق اشارات اوستا به حوادث تاریخی و اشخاص عینی و خارجی به اثبات می‌رسد: از قبیل اشاراتی که اوستا به وثیبیه ^۲ (همان شاهزاده کوچکی که در «گذرگاه زمستان» ^۳ به وی پناه نداد) دارد.

همچنین، عمق احساسات و قوتی که در متن گائاهاست، دلیل اصالت تاریخی آن است. خواننده پس از خواندن برخی از قطعات گائاه‌ها به شدت و بی درنگ متأثر می‌شود. از جمله در آن مواردی که زرتشت از اهورا مزدا می‌خواهد که از رازهای آفرینش



(فرکیانی) فرزندان را دریافت نمود، نوری عظیم او را فرا گرفت «چنان که تا سه شبانه روز، به نظر می‌رسید که خانه از آتش ساخته شده است»^(۲) گوهر تن او در آسمان آفریده شد و همراه باران فرود آمده، به درون گیاهی درآمد. دو گاو متعلق به خانواده زرتشت آن گیاه را خوردند، شیر آن دو گاو را که با گوهر تن زرتشت هوم و آمیخته بود، پدر و مادرش نوشیدند و بدین ترتیب با نخستین آمیزش، نطفه پیامبر در رحم مادر جای گرفت.^(۳) پیش از تولد او، اهریمن و دیوان^(۴) برای از بین بردن او کوشیدند که نافرجام ماند. سه روز پیش از زاده شدن، روستای زادگاه زرتشت آن چنان می‌درخشید که اسپیتامیدها^(۵) (یستگان زرتشت) با گمان این که روستا در حال سوختن است، آنجا را ترک کردند. ولی پس از بازگشت، دریافتند که آن نور، از کودکی تابان است. بنابر نقل روایات زرتشتی، زرتشت خندان پای در این گیتی نهاد. چند لحظه‌ای پیش از تولد دیوان بر او تاختند، اما آن نوزاد توانست با گفتن اذکار خاص مزدایی، آنان را تار و مار کند.

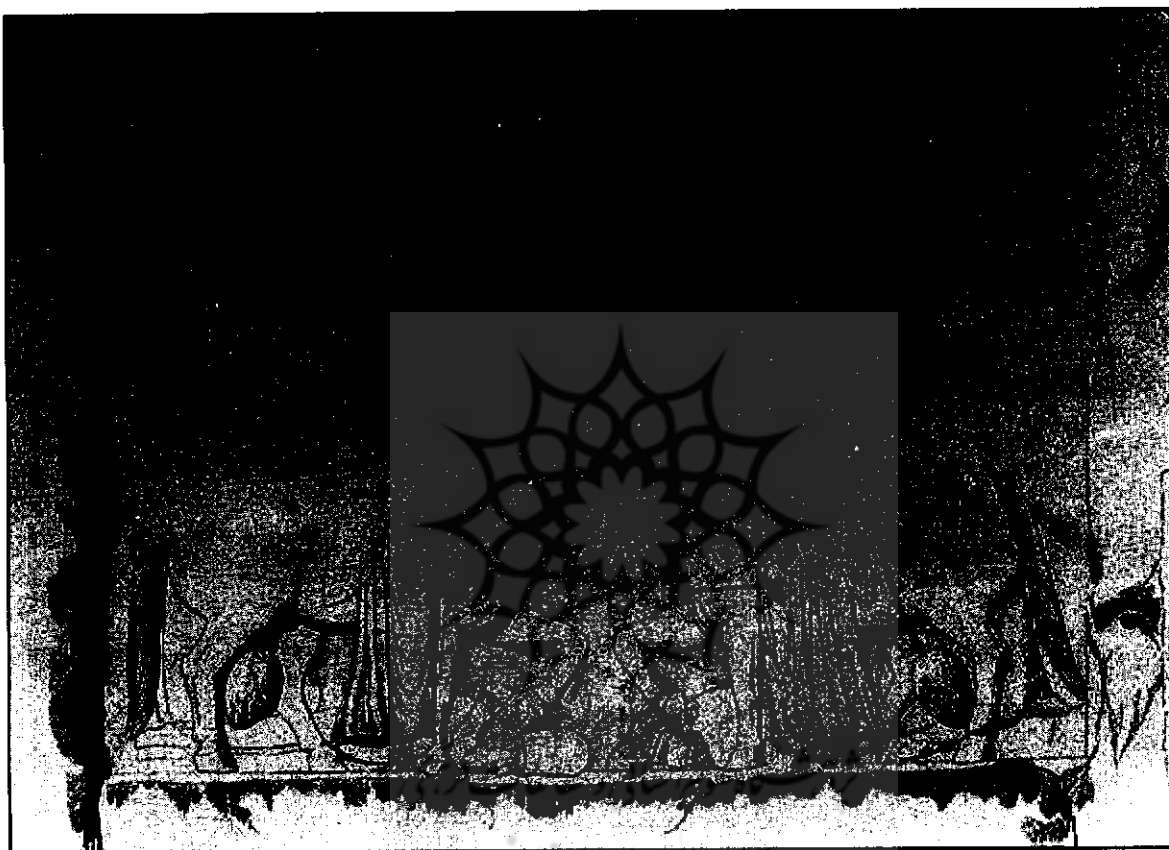
زرتشت از چهار ور^(۶) (آزمون سخت از قبیل در افتادن در خرمن آتش و کنام گرگان و...) پیروز به در آمد و بدین سان، از همان آغاز، ویژگی‌های ممتاز او هویدا گردید.^(۷)

«ای مزدا! آیا از راه ارته (راستی و عدالت)، به ده مادیان، یک اسب نر و شتری که به من وعده داده شده، خواهم رسید؟»^(۸) زرتشت فراموش نمی‌کند از خداوند بپرسد که سزای کنونی کسی که مزد بایسته را به او نمی‌دهد چیست؟ زیرا او از مجازات «فرجامین چنین کسی آگاهی دارد»^(۹). پادافره شریان و پاداش پارسایان، از دل مشغولی‌های مهم زرتشت بوده است. در سرودی دیگر می‌گوید: «ای اهوره! این را از تو می‌پرسم: چیست سزای کسی که نیروی دروند بدکنش را بیفزاید^(۱۰) و در جایی دیگر بانگ بر می‌دارد: «ای مزدا! چگونه دریابم که تو در پرتو آشه بر همگان و بر آنان که سر آزار مرا دارند، فرمان می‌رانی»^(۱۱).

زرتشت در برابر رواج قربانی گزارای گاو و نوشیدن هوم^(۱۲) پلید در میان جوامع ناشکیباست: «ای مزدا! کی پلیدی این هوم را بر خواهی انداخت؟»^(۱۳) او امیدوار است که بتواند این زندگی را از نو بسازد^(۱۴) و از اهورا مزدا می‌خواهد، که راستان در همین زمان بر دروندان (ناراستان) چیره شوند.^(۱۵) در برخی از سخنان زرتشت، احساس می‌شود که او با نابردباری، پر دغدغه و خاکسارانه، اجابت سریع و ملموس خواسته‌اش را می‌خواهد: «ای مزدا! داد تو چیست؟ خواستار چیستی؟ کدامین ستایش و کدامین نیایش را سزاوار می‌شناسی؟ فراگوی تا بشنوند و پاداش آموزش‌های تو را دریابند»^(۱۶).

بیان بسیاری از جزئیات ملموس و مفصل در مقدس‌ترین بخشهای مهم اوستا، واقعی بودن آنها را توجیه عقلانی کرده و نفی خاطره‌های یک شخصیت تاریخی را دشوار می‌سازد. البته این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که تاریخ زندگانی زرتشت در دوره‌های بعد، با افسانه‌های فراوان در آمیخته است ولی چنانچه گفتیم، این امر فرایندی فراگیر و شناخته شده است که شخصیت‌های برجسته تاریخی، در اثر مرور زمان به‌نمونه ایده‌ال (ایربرد) تبدیل می‌شوند. چنانکه یک سرود فروردین یشت درباره زاده شدن زرتشت به شیوه‌ای موعود باورانه ستایش می‌کند: «هنگام زادن و بالیدنش، آبها و گیاهان شادمان شدند، هنگام زادن و بالیدنش، آبها و گیاهها بالیدند»^(۱۷) در ادامه اعلام می‌دارد: «از این پس، دین نیک مزدا در هفت کشور گسترش خواهد یافت»^(۱۸).

متون متأخر زرتشتی به تفصیل از وجود ازلی^(۱۹) و آسمانی زرتشت دم زده‌اند. بر اساس این متون، زرتشت در میانگاه تاریخ و در مرکز گیتی زاده شد. هنگامی که مادرش، «خوارنه»^(۲۰)



تعالیم زرتشت باشد. مضافاً آن که شماری از متون متأخر اوستا و حتی واپسین آنها نیز مستقیماً به مفاهیم موجود در آن اشاره می‌کنند و به شرح و بسط گائاه‌ها می‌پردازند و بدیهی است که شرح و بسط یک اندیشه دینی که برای نخستین بار در متون متأخر مدون شده، لزوماً به معنای متاخر بودن آن اندیشه نیست. آنچه که مهم است تبیین نوع تجربه دینی خاص زرتشت است. نیبرگ^{۳۱} تجربه دینی زرتشت را با گونه‌ای از تجربه خلسه دینی رایج در میان شمن‌های آسیای مرکزی شبیه و قابل مقایسه می‌داند.^{۳۲} بیشتر پژوهشگران این نظریه را نپذیرفتند، اما به تازگی ویدن گرن^{۳۳} نظریه‌ای مشابه ولی متعادل‌تر و در بیانی پذیرفتنی‌تر، ابراز کرده است.^{۳۴} او نمونه‌هایی از روایاتی را ذکر کرده که بر حسب آنها ویشناسپ برای رسیدن به حالت خلسه، بنگ^{۳۵} استفاده می‌کرده است. در حالی که بدن او به خواب می‌رفته، روانش به فردوس عروج می‌کرده است. علاوه بر این،

بیش از این به بیان این گونه اوصاف نیازی نیست. بدیهی است که توصیف آزمون‌های سخت، پیروزی‌ها و معجزات یاد شده، در پی ماوراء الطبیعی دانستن شخصیت او بیان می‌شود. از اوصاف مذکور، دو ویژگی مورد تاکید و تکرار آیین مزدایی بوده است: تابش نور فوق طبیعی، و نبرد زرتشت با دیوان. تجربه نور عرفانی و شهودی که در پی جذب یا خلسه به دست می‌آید، در هند باستان نیز نشانه آینده‌ای درخشان بوده است. اما نبرد با دیوان و دیگر شریران - چنان که خواهیم دید - خویشکاری و وظیفه هر مزدا پرستی است.

۲- خلسه شمنی زرتشت؟

برای بررسی تعالیم اصیل خود زرتشت، بی‌درنگ این پرسش مطرح می‌شود که آیا باید پیام اصیل او را در گائاه‌ها یافت یا در بخش‌های دیگر اوستا که در دوره‌های بعد تدوین شده‌اند؟ ضمن آنکه به هیچ وجه نمی‌توان اثبات کرد که گائاه‌ها در بر دارنده همه

و عالم را با اندیشه بیافریده است^{۳۳} که با آموزه «خلق از عدم»^{۳۴} شباهت دارد. زرتشت اعلام می‌دارد که با اندیشه دریافته است که اهورا مزدا سر آغاز و سرانجام هستی است.^{۳۵} در کنار اهورا مزدا، گروهی از موجودات مینوی^{۳۶} (غیبی) به نام امشاسپندان^{۳۷} قرار دارند: اشه^{۳۸} (راستی، عدالت)، وهومنه^{۳۹} (اندیشه نیک)، آرمیتی^{۴۰} (پارسایی)، خشته^{۴۱} (شهریاری، قدرت)، هئوروات^{۴۲} (کمال) و امرتات^{۴۳} (ناصیاری).

زرتشت در کنار اهورا مزدا، این امشاسپندان را نیز ستایش کرده، از آنها یاری طلبیده است، چنانکه در گائاهای می‌گوید: «ای مزدا اهورا! ای تواناترین! ای آرمیتی! ای اشه گیتی افزای! ای منش نیک، ای شهریار مینوی! به من گوش فرا دهید و آنگاه که پاداش هر کس را می‌بخشید، بر من بخشایش آورید».^{۴۴}

اهورا مزدا پدر موجودات متعدد (اشه، وهومنه، آرمیتی) و نیز پدر یکی از دو روح همزاد (سپننه مینو یا روح بخشنده) است. و تلویحاً دلالت دارد بر آنکه او، سبب پیدایی همزاد دیگر وی (انگره مینو یا روح ویرانگر) نیز می‌باشد. در یک گائاهای مشهور^{۴۵} آمده است که این دو روح، در آغاز خلقت به گزینش پرداختند: یکی از آنان نیکی و زندگی و دیگری بدی و مرگ را برگزید. در «آغاز آفرینش هستی»، سپننه مینو، به مینوی ویرانگر (انگره مینو) چنین می‌گوید: «نه منش، نه آموزش، نه خرد، نه باور، نه گفتار، نه کردار، نه دین، و نه روان ما دو (مینو) باهم سازگارند»^{۴۶} این گفته‌ها، نشان می‌دهد که این دو مینو - یکی مقدس و پاک و دیگری پلید و رذل - واقعاً بر اساس انتخاب آزادانه و نه بر حسب سرشت و ماهیت با یکدیگر فرق دارند.

خدانشناسی زرتشت در مفهوم دقیق کلمه، ثنوی نیست، زیرا وی در مقابل اهورا مزدا به خدای دیگری باور ندارد، بلکه معتقد است که تضاد ما بین دو مینو (روح)، به ناگاه آشکار شده است. از سوی دیگر در موارد متعدد [در گائاهای]، به وحدت بین اهورا مزدا و روح مقدس (سپننه مئیتو)، اشاره کرده است.^{۴۷} و لب سخن او آن است که نیکی و بدی، موجود مقدس و دیو ویرانگر، هر دو از اهورا مزدا ناشی شده‌اند ولی از آنجا که انگره مینو^{۴۸} آزادانه چگونگی وجود و پیشه‌اش را برگزیده است، خدای خردمند را نمی‌توان پاسخگوی پیدایش بدی‌ها دانست.

از سوی دیگر اهورا مزدا با آنکه بر حسب علم مطلق خود از آغاز می‌دانست که انگره مینو چه راهی را گزینش خواهد کرد، مانع او نشد. این باور مستلزم این معنی است که شأن خداوند مافوق همه انواع تضادها و تناقض‌ها (نیکی و بدی‌ها) است یا آنکه وجود بدی‌ها برای شکوفایی آزادی انسان ضرورت دارد.

برحسب روایات اوستایی، خود زرتشت نیز به استغراق در حالت خلسه باور داشته است. زیرا فقط در این حالت می‌توانسته است به مکاشفاتی دست یابد و کلام اهورا مزدا را بشنود.^{۴۹} از سوی دیگر نام «گئورو دمنه» (گرمزمان = Garo demana) به معنای سرای سرود - برای فردوس (بهشت)، احتمالاً نشان دهنده اهمیت سرود در آیین زرتشتی است. مشهور است که برخی از شمن‌ها، با خواندن سرود در مدتی طولانی، به حالت خلسه می‌رسیدند. ولی با وجود این، نمی‌توان گفت که هر آیینی که بر سرود تأکید کند، آیینی شمنی است. شاید عناصر پیراشمنی^{۵۰} را در صحنه‌های مربوط به روایات پل چینوت^{۵۱} بتوان یافت. همچنین سفر ارداویراف^{۵۲} به بهشت و دوزخ نیز ساختار شمنی دارد.^{۵۳} بهر حال شمار اندک اشارات [متون مزدایی] به مراسم خاص شمنی شامل قطع اعضای بدن و نوافرینی درون، فقط در متون دوره‌های بعد دیده می‌شود که احتمالاً بازتاب یا بیانگر تأثیرات خارجی (آسیای مرکزی، التقاط هلنی و بویژه مذاهب سری) است.^{۵۴} محتمل است که زرتشت از شیوه‌های شمنی هند و ایرانی (که در میان سکاها و هندیان دوره ودایی نیز شناخته شده بود) آگاهی داشته است و نیز نمی‌توان روایاتی را که در باب خلسه و یشتاسپ و استعمال بنگ ذکر شده، مردود دانست؛ ولی با وجود این، خلسه‌ها و شیوه‌های منسوب به زرتشت در گائاهای و دیگر بخش‌های اوستا، ساختاری شمنی ندارد. بلکه احساسات مکاشفه و شهود زرتشت شبیه موارد مشابه در ادیان دیگر است. مضافاً ارتباطات او با پروردگارش و تعالیمی که او همواره و بدون وقفه، تبلیغ می‌کرده، به هیچ روی خصوصیت شمنی ندارد. در هر محیطی که زرتشت بالیده و به هر اندازه که خلسه در دین باوری او و نخستین یارانش موثر بوده باشد، در هر صورت، خلسه شمنی بخش محوری آیین مزدایی را تشکیل نمی‌دهد. چنان که در صفحات بعد خواهیم دید، «تجربه عرفانی مزدایی، حاصل و پیامد اعمال دینی است که به امید عالم آخرت انجام می‌شود».

۳- الهام اهور مزدا: آدمی در گزینش نیکی یا بدی، آزاد است زرتشت، آموزه‌های دین نوین را بدون واسطه از اهورامزدا دریافت می‌کند و با پذیرش آن به تقلید از خداوند در انتخاب نیکی، نیکی را انتخاب می‌کند.^{۵۵} در دین زرتشت، از آدمی خواسته می‌شود که شیوه رفتار اهورامزدا را سرمشق قرار دهد و با این حال، در این انتخاب نیز آزادی دارد. پیرو دین مزدایی احساس نمی‌کند که برده یا بنده خداست (انگونه که پرستندگان وارونا، بیهو و اللّه می‌پندارند.)

در گائاهای اهورا مزدا، برترین جایگاه را دارد. او نیک و مقدس بوده

همزاد، یکی اشه^{۵۰} (راستی) و دیگری دروج^{۵۱} (فریب) را برگزیدند. چون که دیوان^{۵۲} (خدایان مذاهب ایران باستان)، فریب (نادرستی) را پیشه خود ساخته‌اند، زرتشت از پیروان خود می‌خواهد که دیگر زبان به ستایش آنها نگشایند و در نخستین گام، از قربانی کردن گاوان برای دیوان بهره‌یزند، از این رو احترام به گاو، سهم مهمی در دین مزدایرستی داشته و نزاع بین کشاورزان یکجانشین (مانا) و چادرنشینان در این حکم منعکس شده است. اما تضادی که زرتشت ادعا می‌کرد فراتر از آن بود، در عین حال، عرصه اجتماع را نیز در بر می‌گرفت چرا که وی به انکار بخشی از سنت مذهبی و ملی آریایی برخاسته بود. زرتشت، جم پسر ویونگهان^{۵۳} را از زمره گناهکاران می‌دانست، «همو که برای خشنودی مردمان، خوردن گوشت گاو را بدانان آموخت». ^{۵۴} مضافاً، چنانکه در صفحات پیشین گفته‌ایم، آن پیامبر از اهورا مزدا به دعا می‌خواست که تقدیم کنندگان قربانی هوم را نابود گرداند.^{۵۵}

با این حال، پژوهش‌های اخیر، نشان داده است که تعالیم مزدایرستی، حتی درگاتاها آیین پرستش هوم را همراه با پرستش مهر^{۵۶}، کلاً محکوم نکرده است. ^{۵۷} مضافاً قربانی کردن حیوانات نیز دست کم توسط توده عوام مزدایرست همواره مرسوم بوده است. ^{۵۸} به نظر می‌رسد که زرتشت اساساً با افراط و استعراق در مراسم شورمندانه که مستلزم قربانی کردن حیوانات بسیار و زیاده روی در آشامیدن هوم بوده، مخالفت داشته است.

از این که برای زرتشت وصف گله‌بان^{۵۹} اطلاق شده، نمی‌توان نتیجه گرفت که نگهداری و پرورش حیوانات نیز از وظایف دینی هر مزدا پرستی است. از دیر باز استعاره‌های شبان و گله در خاور نزدیک و هند همواره برای بیان نسبت ارباب با رعایا به کار رفته و باقی‌مانده است؛ بنابراین می‌توان گفت مراد از گله‌ای که زرتشت چوپان آنان بوده، «به‌دینان» هستند.^{۶۰}



نظام فکری دو بخشی و دو قطبی اسطوره‌ای-احکامی مختلف، پیش زمینه و خاستگاه الهیات زرتشت است. نظامی که مبتنی بر ثنویت و اعتقاد به زوج‌های مخالف و تضادهاست و نظامی است که برای آهنگ و نظم کیهانی و جنبه‌های منفی واقعیت و بیشتر و پیشتر از همه، در مورد وجود شرور، پاسخ‌هایی را ارائه کرده است اما زرتشت برای مسئله شرور که از آغاز رای بشر مطرح بوده، معنای اخلاقی و دینی نوینی عرضه کرده است. مبنای دقت‌ها و تأملات منحصر به فرد دین ایرانی در گاتاها نهفته است.

جدایی ازلی مابین نیکی و بدی، معلول انتخابی است که اهورا مزدا آغاز کننده آن بوده است و به تبع او، آن دو مینوی

شمینیزم صص ۳۹۶ به بعد.

پانوشتها:

۱- این مقاله از فصل «زرتشت و دین ایرانی» (صفحات ۳۱۲ - ۳۰۵) از جلد اول کتاب تاریخ اندیشه‌های دینی، برگرفته و ترجمه شده است. نویسنده کتاب میرچا الیاده (۱۹۸۶ - ۱۹۰۷م.)، دین پژوه نامدار رومانیایی و ویراستار دایرةالمعارف دین (۱۶ جلد) است. برخی از کتاب‌های او - چشم اندازه‌های اسطوره و سه رساله در تاریخ ادیان - را آقای جلال ستاری به فارسی ترجمه کرده‌اند. پاورقی‌های فارسی افزوده مترجم است. مشخصات کتاب‌شناسی مأخذ این مقاله چنین است:

Mircea Eliade, A History of Religious Ideas,
3 vol. Translated by Willard R. Trask, The
University of Chicago Press. 1981
2- Margan mole
3- Vaepye
4- Bridge of Winter

۵- همان / ۴

۶- همان / ۸

۷- همان / ۱۳

۸- همان / ۱۴

10- Visible Marks

۱۱- همان / ۱۶

۱۲- همان / ۱۷

۱۳ - جلیل دوستخواه بند مذکور را چنین ترجمه کرده است:
«ای مزدا اهورا!! این را از تو می‌پرسم، مرا به درستی (پاسخ) گوی: چگونه در پرتو اشه، آن پاداش را به دست آوردم؟ (چگونه) نیرویی، نیروهای دهگانه مرا راهبر و روشنگر خواهد شد تا با آنها، رسایی و جاودانگی را دریابم و آنگاه هر دو را بدانان بخشیم؟ (اوستا، ترجمه جلیل دوستخواه، انتشارات مروارید، جلد ۱، ۱۳۷۰، ص ۴۹).
ترجمه دوستخواه مبتنی بر آرای مفسرانی از قبیل کانگا و

توجه به این بازنگری‌ها و اصلاحات دینی، امکان درک بیشتر تأثیر و مشارکت مزدا پرستان را در تاریخ دینی ایران فراهم می‌گرداند. مسلماً زرتشت به رغم انجام اصلاحات دینی، بسیاری از عقاید و اندیشه‌های قدیم را پذیرفته و در عین حال، آن باورها را مجدداً ارزشگذاری کرده است. برای مثال، وی باور سنتی هند و ایرانی سفر مردگان (حیات پس از مرگ) را پذیرفته، ولی برای «داوری فرجامین»، اهمیت بیشتری قائل بوده است و تأکید دارد که در مورد هرکس برحسب انتخابی که در عالم خاکی داشته، داوری خواهد شد و فردوس و گرزمان^{۱۱} (خان و مان سرود و ستایش) پذیرای راستکرداران و گناهکاران تا ابدالایه، میهمان «کنام دروج» خواهند بود و هر دو گروه، از پل چینوت خواهند گذشت و در آن گذرگاه، نیکان از بدان جدا خواهند شد. زرتشت مرم را از آن گذرگاه سرنوشت ساز آگاهانیده و اعلام کرده است که من خود، پرستندگان اهورا مزدا را در آن روز، راهبری: «و با همه آنان از پل چینوت (جدا کننده) عبور خواهم کرد.»^{۱۲}

پانوشت‌های لاتین:

1- Cf. Widengren, les religions de l'Iran, pp. 120 ff.; j. duchesne Guillemin, la religion de l'Iran, pp 338 ff (Eng. Trans., pp 226 ff.).

2- Zatspram 5, trans. Mole, culte, mythe et cosmologie, p. 184. On the xvarenah, see note 23, below

3- Denkart, 7.2. 48 ff., trans. Mole, pp. 285 - 86

4- Texts cited by Mole, pp. 298 ff., 301 ff.

See also Widengren, les religions de l'Iran, pp. 122 ff.

5- Widengren, pp. 88 ff.

۶- بنگرید منابعی را که ویدن گرن ارائه کرده است. ص ۹۱.

خلسه‌ای که در اثر استعمال مواد مخدر به وجود می‌آمده در هند باستان نیز شناخته شده بوده است. نک. ریگ ودا ۷ / ۱۳۶ و ۱۰ و تفسیر آن در کتاب ایلیاده شمنیزم، صص ۴۰۷ به بعد.

۷- مراجعه شود به ارجاعات نیبرگ و ویدن گرن در کتاب

۲۷ - spitamids - نام و نام خانوادگی زرتشت نیز در گاتاها سپتیما آمده که امروزه آن را سینتمان یا اسپنتمان گویند و معنی لغوی آن از نژاد سفید یا خاندان سفید است. (ر. ک. دانشنامه مزدیسنه، ص ۳۱۹)

۲۸ - وراز واژه اوستایی ورنگه به معنی امتحان و آزمایش و اثبات آمده است. ورنه تدریج در تاریخ زرتشتی به یکی از نهادها و رسم‌های مهم زرتشتی میدل گردیده است و به ۳۳ گونه، تنوع یافته است از قبیل وروغن، شیر مرغ، فلز داغ، به اعتقاد زرتشتیان، کسی که بی گناه باشد این نوع آزمون‌ها به او آسیب نمی‌رساند.

29-Nyberg

۳۰ - شمن در لغت به معنی مرتاض بوده و به روحانیون بودایی و برهمنایی و بت پرست نیز گفته شده است. عموماً در اعتقادات برخی از مردم آسیا، شمن قدرت تأثیر بر ارواح نیک و بد را دارد. منظور از شمنیزم تعرف در قوای روحانی و غیبی جهان از طریق سحری است که شمن به انجام می‌رساند (دانشنامه مزدیسنه، ص ۳۴۷)

31-widengren

32-Hemp == bhang

۳۳ - جهت اطلاع بیشتر به منابع کتاب ویدن گرن در صفحه ۹۱ مراجعه شود. ضمناً تأثیر مواد مخدر در ایجاد حالت خلسه برای هندیان باستان نیز شناخته شده بود (نک. ریگ ودا ۱۰ / ۱۳۶ و تفسیر آن در کتاب شمنیزم نوشته ایلایده، از صفحه ۴۰۷ به بعد)

34-(parashamanistic)

35-The cinvat Bridge

36-Artay viraf

۳۷ - نمونه‌ای از این نوع مراسم را زاتسپرم در باب آغاز دینداری زرتشت توسط اهمر سپند (Ahmarsepand = عنوان اوستایی امشاسپند) ذکر کرده است. از دیگر ورها (آزمون‌های دینی)، فلز مذاب بوده که بر روی سینه زرتشت ریخته شد ولی سرما فزود. و دیگر آنکه بدن او را با چاقو بشکافتند تا حدی که امعاء و احشاء او هویدا شد و خون جاری گردید ولی هنگامی که زرتشت دست خود را بر روی زخمها کشید، شفا یافت (زاتسپرم ۱۳ - ۱۲ / ۲۲، ترجمه موله، صفحه ۳۳۴). اینگونه اعمال، از ساهکارهای شمنی است.

38-Imitation dei

تاراپوروالاست. این دسته از پژوهشگران، نام این جانوران را، رمز و کنایه می‌دانند. برای مثال در بند مذکور، ده مادیان را کنایه از ده حس سرکش در وجود آدمی، و نریان را کنایه از اندیشه انسان می‌دانند که بر آن ده مادیان چیرگی می‌یابد. در این تفسیر، اشتر نماد مرحله نهایی سیر و سلوک و رسیدن به فروغ ایزدی و روشنایی ابدی است. واژه Ushtra در این ترجمه نه به معنی اشتر، بلکه از مصدر Ush، به معنی درخشیدن و روشنایی بخشیدن برگرفته شده است. م.

۱۴ - همان / ۱۹

۱۵ - یسنا / ۱۵ / ۲۱

۱۶ - یسنا / ۹ / ۴۸

17- haoma

۱۸ - یسنا / ۱۰ / ۴۸ - هوم در اوستا هوم و سوم است. در گاتاها دو بار (یسنا / ۱۴ / ۳۲ و ۱۰ / ۴۸) تلویحاً بدان اشاره شده و مصرف آن بشدت نکوهش شده است ولی در بخشهای متأخر اوستا بویژه در هاتهای ۱۱ - ۹، با شور فراوان مورد ستایش قرار گرفته است. در متون دینی سانسکریت از نوشتابه آن با وصف دور دارنده مرگ یاد شده است. نیبرگ، هوم را از گونه گیاه Ephedra می‌داند که از آن افدرین به دست می‌آید. این گیاه در کوهستان‌های ایران و افغانستان می‌روید. (نک. دانشنامه مزدیسنا ص ۴۸۴ - ۴۸۵ و پیوست ترجمه اوستا، دوستخواه، جلد ۲، ص ۱۰۸۷ - ۱۰۸۶)

۱۹ - همان / ۹ / ۳۰

۲۰ - یسنا / ۲ / ۴۸ گردانیده دوستخواه چنین است: ای اهوره!... براستی آیا تواند بود که پیش از آغاز کشمکش در اندیشه‌ام، اشون بر دروند پیروز شود؟

۲۱ - همان / ۱۲ / ۳۴

۲۲ - یشت‌ها ۱۳ / ۹۳ - در ادامه... هنگام زادن و بایندش همه آفریدگان سپند مینو به خود مژده رستگاری داند.

۲۳ - همان / ۹۵ / ۱۳

24- Preexistence

۲۵ - خوارنه یا خوارنگه یا خره، همان فرّکیانی است که از آن ایزد شکوه و جلال سلطنت ایران اراده شده است. این فرّ عبارت است از فروغ، شکوه، بزرگی و اقتدار مخصوصی که از طرف اهورا مزدا به پیامبر یا پادشاهی بخشیده می‌شود (دانشنامه مزدیسنا جهانگیر اوشیدری، ص ۲۶۴)

26 - daevas, devs

۶۰ - یسنا ۴۸ / ۱۰ (سینتمدگات). بند مذکور در ترجمه‌های فارسی به گونه‌ای دیگر گزارش شده است: «ای مزدا... کی پلیدی این می(هوم) را بر خواهی انداخت که کریان بدکار، بدن می‌فریبید و فرمانروایان بد با آن به (دژ) خرد (می) بر سرزمین‌های فرمان می‌رانند؟ (ترجمه جلیل دوستخواه، ج ۱، ص ۶۷). پورداوود این بند را چنین ترجمه کرده است: «کی ای مزدا، شرفا به رسالت پی خواهند برد؟ کی این مشروب مسکر و کثیف را خواهی برانداخت؟ از آن چیزی که کریانای زشت کردار و شهریاران بد رفتار، به عمداً ممالک را می‌فریبند (ترجمه پورداوود، گاتها، ص ۱۰۸). در اهنودگات (یسنا ۳۲ / ۱۴) نیز زرتشت قربانی گزاری گاوان و نوشیدن مسکر رایج در آن زمان (می‌یاهوم یا شرابی دیگر) را نکوهیده است.

61-Mithra

62-see the works by Mole, zaehner, M.

Boyce (Hoama, Priest of the sacrifice.), and Gnoli (inter alia: Lichtsymboiliek in Alt Iran).

63-Cf. M. Boyce, Atas zohr and Ab

zohr " Gholi Question sull'interpretaizaion della dottrina gathica, " p. 350

64-Herdsman

65-see G.G Cameron, "Zoroaster, the

Herdsman, " passim@ Gnoli Questioni, pp. 351 ff.

۶۶ - گرزمان یا گروتومان یا گروتومان، در لغت به معنای محل

سرود و ستایش و معادل با عرش اعلی در اصطلاحات اسلامی است و آن، بالاترین طبقه آسمان و مقام اهورا مزدا است (ر. ک.

ترجمه اوستا، دوستخواه، ص ۱۰۴۱ و دانشنامه مزدیسنا ۴۰۸)

۶۷ - یسنا ۴۶ / ۱۱ - ۱۰ ترجمه فارسی بندهای مورد اشاره:

«ای اهورامزدا! به درستی می‌گویم: هرکس - چه مرد، چه زن - که آنچه را تو در زندگی بهترین [کار] شناخته‌ای بورزد، در پرتو منش نیک از پاداش اشه [و] شهربازی مینوی [برخوردار خواهد شد].

من چنین کسانی را به نیایش تو رهنمون خواهم شد و همه آنان را از «گذرگاه داوری» خواهم گذرانم. کریان و کوی‌ها یا توانای خویش و با وادار کردن مردمان به کردارهای بد، زندگانی [آنان] را به تباهی می‌کشانند [اما] روان و «دین» شان هنگام نزدیک شدن به گذرگاه داوری در هراس خواهد افتاد و آنان را همواره باشندگان کُنام دروج [خواهند بود].»

۳۹ - یسنا ۷ / ۳۱ اوست نخستین اندیشه وری که روشنای سپهر از فرو غش درخشیدند [اوست که] با خرد خویش، اشه را بیافرید تا «بهترین منش» را پشتیبان و نگهبان باشد. ای مزدا اهورا! تو اکنون نیز همانی به مینوی خویش، آن را بیفزای.

40-Creatio ex nihilo

۴۱ - ای مزدا! هنگامی که تو را با منش خویش، سرآغاز و سرانجام هستی و پدر منش نیک شناختم و آنگاه که تو را با چشم (دل دیدم) دریافتم که تویی آفریدگار راستین اشه و داور کردارهای جهانیان.
(یسنا ۸ / ۳۱).

۴۲ - واژه اوستایی مئینو به معنی روان. خرد و روح آمده است. می‌توان به معنی بهشتیان و روحانیون آمده است و مینوی به معنای روحانی و منوی است. در اوستا از دو جهان، مادی و جهان مینوی و نیز ایزدان مینوی و ایزدان جهانی سخن رفته است. اهورا مزدا در سر ایزدان و مینوی و زرتشت در سر ایزدان جهانی جای دارد. (دانشنامه ص ۴۴۶)

43-The Ameshaspenta

44-Asha

45-Vohu Manah

46-Armaiti

47-Xshathra

48-Haurvatat

49-Ameretat

۵۰ - یسنا ۱۱ / ۳۳ به بعد

۵۱ - یسنا ۳۰

۵۲ - یسنا ۲ / ۴۵ - این مضمون در یسنا ۳ / ۳۰ نیز تکرار شده

است: در آغاز، آن دو مینوی همزاد در اندیشه و گفتار و کردار نیک و دیگری بد، با یکدیگر سخن گفتند. از آن دو، نیک آگاهان راست را بر گزیدند نه دژ آگاهان

۵۳ - از جمله نگ. یسنا ۳ / ۴۳

54 -Angra mainyu

55 -Asha

56 -Drug

57 -daevas

58 -Vivahvant

۵۹ - یسنا: ۳۲ / ۸